یادداشت

مدیران آینده از فضای تئاتر شهر حصارزدایی کنند

بابک شکوفی
معمار

پرده اجرای نمایشی در تئاتر شهر کنار رفته است: «نمایشی از یک قتل» و هزاران شهروند هر روز در آنجا شاهد قتل تدریجی حق شهروندی‌شان بر فضای شهری هستند. از آن هنگام که انسان‌ها در روند تکامل تاریخی خود شهرها را به وجود آوردند، به اهمیت و نقش فضاهای عمومی شهری در تنظیم و شکل‌دادن به مناسبات اجتماعی و انسانی واقف بودند. شهر بدون فضای عمومی شهری بی‌معناست. این فضاها که ملک مشاع شهروندان و متعلق به همه اهالی شهر است؛ همان‌جایی است که خاطرات ذهنی مشترک مردم در آن اتفاق می‌افتد و از ارکان اصلی شکل‌گیری حس همبستگی اجتماعی و مدنی در یک جامعه سالم محسوب می‌شود. در شرایطی که سیاست‌گذاران شهری دنیا با مطالعات و تدوین انواع منشورهای حقوقی به دنبال بهبود و افزایش فضاهای عمومی شهری هستند، در کمال تعجب می‌بینیم که در تهرانی که از کمبود شدید فضاهای عمومی مناسب رنج می‌برد، برخی از مدیران تصمیم گرفتند یکی از معدود فضاهای عمومیِ باکیفیت تهران را که در کنار مهم‌ترین محور شهری و عنصر هویتی شهر یعنیَ خیابان ولیعصر قرار گرفته است با دیوارکشی به دور محوطه تئاتر شهر از مردم شهر بگیرند و تهران را به لحاظ وجود فضاهای همگانی پیاده از امروز هم فقیرتر کنند. اهمیت و حساسیت موضوع زمانی روشن می‌شود که توجه کنیم این ضربه به فضای همگانی شهری تهران، درست در مکانی اتفاق می‌افتد که در سلسله‌مراتب فضاهای همگانی کلان‌شهر تهران یکی از مهم‌ترین مکان‌های هویتی محسوب می‌شود؛ یعنی تقاطع دو ستون فقرات اصلی شمالی-جنوبی و شرقی-غربی تهران (خیابان ولیعصر و انقلاب). این مکان به لحاظ ارتباط شهروندان با فضای شهری پیش از این هم با اجرای پروژه‌هایی مانند زیرگذر و نصب موانع مختلف و... دچار آسیب‌های جدی شده بود، ولی حصارکشی اطراف تئاتر شهر تیر خلاص را به یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهرمان شلیک خواهد کرد. درمورد دیوارکشی دور تئاتر شهر، به مدیران فعلی یک توصیه دارم: آن را نسازید. و به مدیران آینده هم فقط یک توصیه: در اولین فرصت این ورود به حقوق شهروندی را از چهره شهر پاک کنید.

درباره وضعیت اجتماعی و کالبدی کنونی چهارراه ولیعصر و تئاتر شهر

پرشیا قره‌گوزلو
معمار و طراح شهری

در امتداد گسترش فضاهای عمومی و فرهنگی تهران، برای دموکراتیک‌کردن فضا، تئاتر شهر، بی‌حصار در میان شهر گذاشته شد و به یک نشانه شهری خوانا در امتداد یک راسته فرهنگی تبدیل شد. تاریخچه تحولات این فضا، پس از انقلاب و کشمکش‌های میان روشنفکران و هنرمندان با حکمرانی شهری برای حفظ فضا و چهارراه، گونه‌ای دیگر از مداخلات را در پی داشت که بی‌وقفه و آگاهانه سعی در گرفتن این فضا از مردم دارد. ساخت زیرگذر، حرکت عابران را در سطح ممنوع کرد و ظهور عناصر ورودی متروها در اطراف این چهارراه و هشت خروجی مجزا، به آشفتگی و سردرگمی بیشتر شهروندان و فضا منجر شد. در اوضاع اقتصادی و تورم دهه‌های متوالی کشور و بیکاری رو به رشد، نقاط پرتردد شهر به اشغال دستفروشان درآمد و این چهارراه هم بی‌نصیب نماند و در طرح ساماندهی شهرداری، حضورشان چون جداره‌ای بر فضای تئاتر شهر تثبیت شد. زنجیره‌ای از اقدامات برای کنترل فضا که بر اصول «شهر امن و انسانی» بنا نشده بود و خود زمینه‌ساز معضلات دیگر شد. حافظه جمعی شهر اما به خاطر دارد که این گونه راه‌حل‌ها به از بین بردن فضاهای عمومی متعلق به مردم و تا حد ممکن منزوی‌کردن رویدادهایی که مورد علاقه حکمرانی شهری نیست، انجامیده است.

آنچه امروز با آن روبه‌رو هستیم، مجموعه فضاهایی است که افزودن عناصر به عنوان اشیایی که در آن جوش نخورده، تأثیری از زمینه جدید نگرفته و فضایی ناهمگون را پدید آورده است. فضایی پر از اغتشاش و ناسازگاری که نه می‌توان آن را محو کرد و از نو شروع کرد و نه بی‌تأمل بر آن افزود. راه‌حل‌های مقطعی مانند حصر یک فضای عمومی، زیرگذرهای ناخوانا، سامان‌دهی دستفروشان از نوع تثبیت و جداره‌سازی، جداسازی و تقسیم‌بندی فضا هرچند با موفقیت‌های نسبی و کوتاه‌مدت در امر کنترل روبه‌رو شوند، در بستر پویا و پیچیده کلان‌شهری مثل تهران، ماندگار نخواهند بود و به نقیض خود دچار می‌شوند.

حصر تئاتر شهر، نزاع بر سر عرصه عمومی

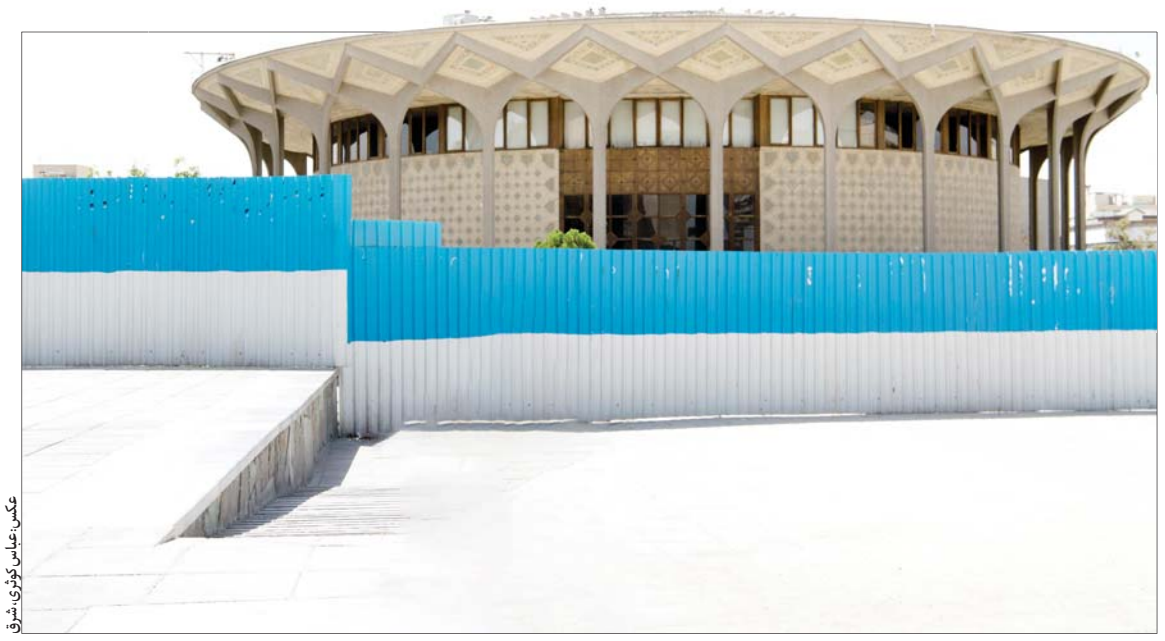

عکس: عباس کوثری، شرق

علی اعطا
عضو پیشین شورای شهر تهران

زمستان ۱۴۰۲ به نشستی در موزه تصاویر معاصر دعوت شدم تا در میزگردی چهارنفره، با حضور رضا کیانیان، شهرام گیل‌آبادی و مدیر وقت تئاتر شهر درباره طرح محصورسازی تئاتر شهر گفت‌وگو کنیم. تا پیش از جلسه، گمان می‌بردم در نقد حصر تئاتر شهر از فضای باز پیرامونی، تنها خواهم بود، اما محتوای نشست به شکل غیرمنتظره‌ای پیش رفت. با وجود تبلیغات وسیعی که منتشر می‌شد و می‌گفت «همه» اهالی تئاتر خواهان محصورسازی تئاتر شهر هستند، در آن نشست دیدم که چنین نیست. با آقایان کیانیان و گیل‌آبادی دیدگاهی مشابه و نزدیک داشتیم و تنها شخصی که در دفاع از طرح محصورسازی تئاتر شهر از انواع و اقسام توجیهات بهره می‌برد، مدیر وقت تئاتر شهر و منصوب وزارت ارشاد بود. تلاش برای محصورسازی تئاتر شهر، ماجرای تازه‌ای نبود؛ اما اولین مواجهه من با طرح حصارکشی تئاتر شهر، در حوالی سال‌های ۹۸ و ۹۹ و در دوران حضورم در شورای شهر تهران بود؛ وقتی شهردار وقت منطقه ۱۱، آقای مهندس آبادیان و نماینده شرکت توسعه فضاهای فرهنگی به دفترم در شورا آمدند تا در رابطه با عملیاتی‌شدن این ایده که از سال‌های قبل گه‌گاه مطرح بوده است، گفت‌وگو و تبادل نظر کنیم. در نهایت، به دلیل مخالفت فعال ما در شورای شهر با این طرح، تا پایان دوره شورای پنجم تهران این کار دنبال نشد. در دی‌ماه ۱۴۰۲، در مراسمی با حضور وزیر فرهنگ دولت وقت، کلنگ طرحی با نام اجرای حریم تئاتر شهر بر زمین کوبیده شد و در توجیه و توضیح این طرح، به موضوعاتی نظیر حفاظت بنای تئاتر شهر و ساماندهی محوطه پیرامونی آن اشاره شد. مجموعه دلایل و توجیهاتی برای این اقدام مطرح بود ازجمله: نابسامانی فضا، حضور بدون نظم و قاعده دست‌فروشان، تجمع معتادان به‌ویژه بعد از تاریکی هوا، عدم امنیت برای هنرمندان و هنردوستان و در نهایت آسیب به بنا و اقداماتی نظیر سرقت برخی از اجزای نمای بیرونی این بنای ارزشمند میراثی و آسیب‌های دیگر به آن. هر بار نیز منتقدان محصورسازی، ضمن ارائه راهکارهای روشن به این موارد پاسخ گفته‌اند. در آن مقطع، در بستری از اعتراضات و انتقادات به اقدام، در هماهنگی میان شهرداری و شورای شهر تهران و وزارت ارشاد و نیز چراغ سبز وزارت میراث فرهنگی، طرح محصورسازی تئاتر شهر آغاز شد و اکنون با گذشت نزدیک به دو ماه، طرحی که به گفته حضرات قرار بود صرفا اجرای دیوارنرده‌ای در پیرامون بنای تئاتر شهر باشد، این محوطه را به کارگاهی تبدیل کرده است که کمتر کسی می‌تواند از آینده و سرنوشت آن باخبر شود. از آنچه درباره مخالفت ما در شورای پنجم با محصورسازی تئاتر شهر نوشتم، ممکن است کسانی که این سطور را می‌خوانند، با پرسشی در ذهن مواجه شوند؛ آیا اعضای شورای شهر که قاعدتا باید به امور راهبردی-سیاستی در مدیریت شهری بپردازند، وقت خود را صرف طرح‌هایی در حد و اندازه حصارکشی یک محوطه می‌کنند؟ چرا محصورسازی تئاتر شهر را باید به‌عنوان یک مسئله شهری بررسی کرد؟ چرا این موضوع اهمیت دارد؟ پاسخ اینجاست که به گمان من، محصورسازی تئاتر شهر، گرانیگاه و مرکز ثقل چند فاکتور شایان توجه است که برهم‌کنش آنها، این موضوع میان‌مقیاس به لحاظ فیزیکی را به موضوعی بزرگ‌مقیاس در حوزه فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌کند. به این گزاره‌ها توجه کنیم:

گرانیگاه فرهنگی تهران

وقتی از تئاتر شهر صحبت می‌کنیم، تنها از ساختمانی با چند سالن تئاتر صحبت نمی‌کنیم؛ از مرکز ثقل و قلب فرهنگی تهران صحبت می‌کنیم و از گستره‌ای که بنای ارجمند تئاتر شهر، بخشی تفکیک‌ناپذیر از آن است. اگر در نقشه یا عکس هوایی تهران، به محل قرارگیری ساختمان تئاتر شهر و میدانگاه آن دقت کنیم، پیداست که این بنا در تقاطع مهم‌ترین و طولانی‌ترین محورهای شمالی-جنوبی (محور ولیعصر) و شرقی-غربی (محور دماوند - انقلاب- آزادی) قرار دارد. می‌توان گفت این محل، مرکزی‌ترین نقطه شهر تهران است و محل تقاطع دو خیابان مهم این شهر. خیابان ولیعصر که بارها به‌عنوان یکی از پرونده‌های مطرح برای ثبت جهانی در فهرست یونسکو مدنظر بوده است و ویژگی‌های طبیعی و تاریخی آن از سوی دیگر و خیابان انقلاب، به‌عنوان مهم‌ترین محور شرقی-غربی شهر تهران که بعضا به‌عنوان مرز تهران شمالی و تهران جنوبی از آن تعبیر می‌شود، در تقاطع خود، پذیرای گستره پیوسته‌ای شده‌اند که یکی از نقاط درخشان آن، ساختمان تئاتر شهر است و همواره در سال‌های گذشته، در پیوستگی با پیرامون معنا یافته است. این گرانیگاه، در مجاورت دانشگاه‌ها، مؤسسات فرهنگی و هنری، پهنه رودکی، سینماها، کافه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، گالری‌ها و بسیاری مراکز حضور مردم است. بنابراین وقتی از تئاتر شهر صحبت می‌کنیم، تنها از ساختمانی با چند سالن تئاتر صحبت نمی‌کنیم.

میراث معماری برای همگان

نگار منصوری، یکی از پژوهشگران جوان و برجسته معماری معاصر ایران، درباره معماری این بنا می‌نویسد: «این بنا در دوره‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که بیم تغییر معماری سنتی و دغدغه گذشته (بحران هویت) در جامعه ایران آغاز شده بود. نوعی نوستالژی و حسرت در میان معماران و هنرمندان به فرهنگ سنتی ایران به وجود آمده بود که امیرعلی سردارافخمی با وجود آنکه گرایشی به معماری سنت‌گرا نداشت، ولی در طراحی بنای تئاتر شهر، رویکردی تاریخی، منطبق با جریان هنر و معماری روز را برگزید. بنایی که در آن با فناوری نوین آن زمان توانست به شکل و روح معماری گذشته ایران ارجاعاتی داشته باشد و از هنر و میراث معماری ایران به بهترین نحو الهام بگیرد. سردارافخمی در بنای تئاتر شهر با طراحی بنایی با ابعاد عظیم و فرم خاص مدور، آن را به یک نشانه شهری شاخص تبدیل کرد... . این بنا در کنج جنوبی عرصه مجموعه به نحوی جانمایی شده است که حجم مجسمه‌گون آن روی صفحه‌ای مدور، آن را از پارک دور و به خیابان ولیعصر و فضای شهری پیرامون آن نزدیک کرده است. این جانمایی موجب شده تا صحنی وسیع در مقابل ورودی اصلی (شمالی) آن پدید آید که بر اهمیت فرمی و فضایی بنا افزوده است. معمار با نگاهی به کافه شهرداری سابق، حجم استوانه‌ای عظیم بنا را به نحوی جانمایی کرده که از همه جوانب باز و قابل رؤیت باشد که فرمی نشانه‌ای به آن بخشیده است». این توضیحات از این جنبه شایان توجه است که بدانیم وقتی از تئاتر شهر صحبت می‌کنیم، تنها از یک ساختمان با مجموعه‌ای از سالن‌های تئاتر حرف نمی‌زنیم؛ از یک اثر معماری برجسته شهری هم صحبت می‌کنیم که به همگان تعلق دارد. اثری که به‌ویژه با ثبت در فهرست ملی ایران در سازمان میراث فرهنگی، به‌عنوان بخشی از میراث ملی ما ایرانیان نیز شناخته شده است. وقتی از تئاتر شهر صحبت می‌کنیم، از میراث فرهنگی و یک بنای ثبت‌شده در فهرست ملی نیز صحبت می‌کنیم که به همه مردمان تعلق دارد.

نزاع بر سر عرصه عمومی

وقتی از تئاتر شهر صحبت می‌کنیم، تنها از تئاتر شهر حرف نمی‌زنیم؛ از عرصه عمومی صحبت می‌کنیم. محوطه تئاتر شهر و پارک دانشجو، به دلیل موقعیت جغرافیایی و فرهنگی-اجتماعی خود، بخش مهمی از عرصه عمومی شهر تهران است. عرصه عمومی چیست؟ عرصه عمومی جایی است که متعلق به همه شهروندان است؛ جایی که می‌توان آزادانه به آنجا رفت و از آن بهره‌مند شد. جایی است که در تملک فرد یا گروهی نیست؛ خصوصی نیست، اختصاصی نیست. از این منظر، به همان میزان که شهری فضاهای جمعی شهری و عرصه‌های عمومی خود را پاس بدارد و از آنها پاسداری کند، می‌توان آن را شهری مردم‌مدار، دموکراتیک و شهری برای همگان دانست. گفته می‌شود که در طراحی اولیه تئاتر شهر، این ساختمان همچون بنای تالار وحدت یا موزه سینما محصور بوده است. این سخن صحیح است، اما همه ماجرا نیست. بیش از پنج دهه قبل، چنین حصاری پیرامون بنای تئاتر شهر پیش‌بینی شده بود. این سخن اگرچه صحیح است، اما در مقام استدلال یا توجیه محصورسازی امروزین این مجموعه، نشانی نادرستی است. محوطه پیرامون تئاتر شهر و چهارراه ولیعصر به‌تدریج و طی چند دهه اخیر به یک عرصه همگانی شهری پراهمیت و دارای ظرفیت‌های گسترده تبدیل شده است. حتی می‌توان گفت در آن زمان هنوز موضوع فضای عمومی شهری به شکل امروزی وارد ادبیات شهری ما نشده بود. به‌تدریج در اطراف آن محل کافه‌ها شکل می‌گیرد، مراکز فرهنگی و هنری بنا می‌شود، تعداد دانشکده‌ها و مؤسساتی که در حوزه فرهنگی و هنری فعال هستند، افزایش می‌یابد و تعداد دانشجویان رشته‌های مربوط به هنر و رشته‌های مرتبط با موضوعات فرهنگی بیشتر می‌شود و آنجا کارکردهای دیگری پیدا می‌کند. یعنی کم‌کم به یک عرصه عمومی و فضای باز شهری تبدیل می‌شود. نمی‌توان صورت‌مسئله امروز و کارکرد امروزی این فضا را نادیده گرفت. همسان‌انگاری کارکرد امروزین محوطه پیرامون تئاتر شهر و کارکرد این محوطه در پنج دهه قبل، بیانگر فقدان درک نسبت به مفهوم فضای عمومی شهری و تحولات آن است. به‌علاوه، باید به این نکته توجه داشت که چهارراه ولیعصر در سال‌های اخیر به‌طور مدام در معرض تحدید بوده است. در هر نوبت، بخشی از این فضای شهری تحدید شده است. یک بار با احداث زیرگذر، دسترسی عمومی محدود و هدایت شده است، بار دیگر با اجرای نرده‌های پیرامون پیاده‌روها این محدودیت ادامه یافته است و اکنون در سومین گام، با حصر تئاتر شهر و محوطه پیرامون آن، تیر دیگری به عرصه عمومی و قلب فرهنگی پایتخت شلیک شده است.

نغمه ناتمام میدانگاه؟

به «نغمه ناتمام میدان»* آزادی گریزی بزنیم. به کنسرت همچنان بی‌سرانجام همایون شجریان در میدان. این ماجرا بی‌شباهت به داستان کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی نیست. در آن رویداد نیز شاهد بودیم که چگونه یک فضای عمومی نمادین می‌تواند به صحنه‌ای برای بیان خواست جمعی تبدیل شود. همان‌گونه که میدان آزادی هم صحنه بود و هم نماد، تئاتر شهر نیز همین ویژگی دوگانه را دارد. در هر دو مورد، مسئله اصلی «حق بر شهر» و مشارکت مردم در تعریف و استفاده از عرصه عمومی است. وقتی کنسرت همایون از میدان آزادی به استادیوم پیشنهاد شد، مردم نپذیرفتند؛ چراکه مسئله تنها موسیقی نبود، بلکه معنای برگزاری آن در عرصه عمومی بود. در مورد تئاتر شهر نیز دقیقا همین مسئله مطرح است؛ حصارکشی تنها یک اقدام فیزیکی نیست، بلکه دریغ‌کردن حق مردم از عرصه عمومی است. همان‌گونه که در تحلیل کنسرت میدان آزادی اشاره شد، این فضاها «متون شهری» هستند که هر نسل به فراخور زمانه خود، بر صفحه آنها می‌نویسد. محصورسازی تئاتر شهر، همچون لغو کنسرت میدان آزادی، محروم‌کردن شهروندان از حق نوشتن بر صفحه شهرشان است. این دو واقعه نشان می‌دهند که نزاع بر سر عرصه عمومی، نزاعی بنیادین در شهر امروز ایران است.

در نهایت؛ سخنی با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به رسمیت شناختن حق شهروندان بر شهر، در طراحی و برنامه‌ریزی اقدامی همچون برگزاری کنسرت همایون در میدان آزادی از یک سو و محصورسازی عرصه عمومی تئاتر شهر در گرانیگاه فرهنگی تهران یعنی چهارراه ولیعصر از دیگر سو، دو اقدام متضاد است و از منظر سیاست‌گذاری شهری در دو قطب متضاد قرار می‌گیرد. نمی‌شود در میدان آزادی مدافع حق شهروندان بر شهر و آزادی در عرصه عمومی بود، اما در چهارراه ولیعصر، مدافع و مجری تحدید عرصه عمومی. به‌عنوان کارشناس و پژوهشگر مطالعات شهر و معماری که اندک تجربه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری در شورای اسلامی شهر تهران دارم، پیشنهاد می‌کنم در این کار بازنگری کنید و اجازه ندهید این کار به نام وزارت فرهنگ دولت چهاردهم ثبت شود. برای مدیریت این گستره فرهنگی، بدون تحدید عرصه عمومی، راهکارهای آزموده‌شده بسیار است، اما نخواستند بشنوند.

***«نغمه ناتمام میدان» یادداشتی است از همین نویسنده که در روز چهارشنبه ۲ مهر ۱۴۰۴ در روزنامه «شرق» منتشر شده است.**

جدول ۵۱۶۹ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱-سازی بادی- تخت سلطنت- زائده سر بندپایان ۲- از ظروف پرمصرف آشپزخانه- سومین قله بلند ایران- سرشار ۳- ایستادگی و پایداری- جاسوس ۴- خدعه و نیرنگ- ضربه‌ای در بدمینتون- آگاهانه ۵- چند بیت- متاع- بسیار سرد ۶- راه میانبر- چهل‌وششمین سوره قرآن- سقف شیشه‌ای متحرک خودرو ۷- وسیله بنایی- نجس- پرش ۸- بصیرت- آغشته به خون- جسد بوگرفته ۹- خودروی فرانسوی- روشی برای جداکردن اجزای جامد از یک محلول- از مقاطع مخروطی ۱۰- دلواپسی- زن گندمگون- روستا ۱۱- اتمسفر- از ظروف آزمایشگاهی- شهری در شهرستان کاشان ۱۲- سرخوش و سرحال- برادر کمبوجیه - واحد پول آفریقای جنوبی ۱۳- پیچیده در گوش زمان فریادتان- از ایلات کرد ایران ۱۴- تفنگ قدیمی- از الفبای لاتین- از حوزه‌های مهم ورزش زمستانی در ارتفاعات البرز ۱۵- ورزش هندوها- تباشیر فرنگی- همنشین

عمودی:

۱- ظالم- جداکردن دانه برنج از پوست آن ۲- پیشرفته- نویسنده رمان وداع با اسلحه- چهره ۳- از ایالات آمریکا- روشن و تابناک- با تفنگ پرتاب می‌شود ۴- مارال- متکا- اوضاع جوی ۵- شعر ستایش- برشته‌شده ۶- دزدی‌کردن- آگاه- کمند ۷- پروردگار- الکل سفید- ضدهم‌بودن ۸- بی‌اعتنا به قیدوبندها- چراغ روشنی‌بخش- آغشته به رنگ ۹- لانه پرندگان- مرد سالخورده- باغ انگور ۱۰- دمیدن روح تعهد در انسان‌هاست- سهل و ساده- دوره‌ای از زندگی زنان ۱۱- چست و چابک- درجه فرمانده گروهان ۱۲- از دل‌انگیزترین مناطق تهران در دامنه جنوبی توچال- دنیا- مجلس شادی ۱۳- امانتداران- لقب شیطان- عایدی ۱۴- نیمه‌دیوانه- رستم پس از گذشتن از هفت‌خان او را کشت- پروفیل فلزی به شکل زاویه قائمه ۱۵- تابلویی زیبا اثر هنرمندانه آنری روسو، نقاش فرانسوی- دوربین فیلمبرداری قابل حمل

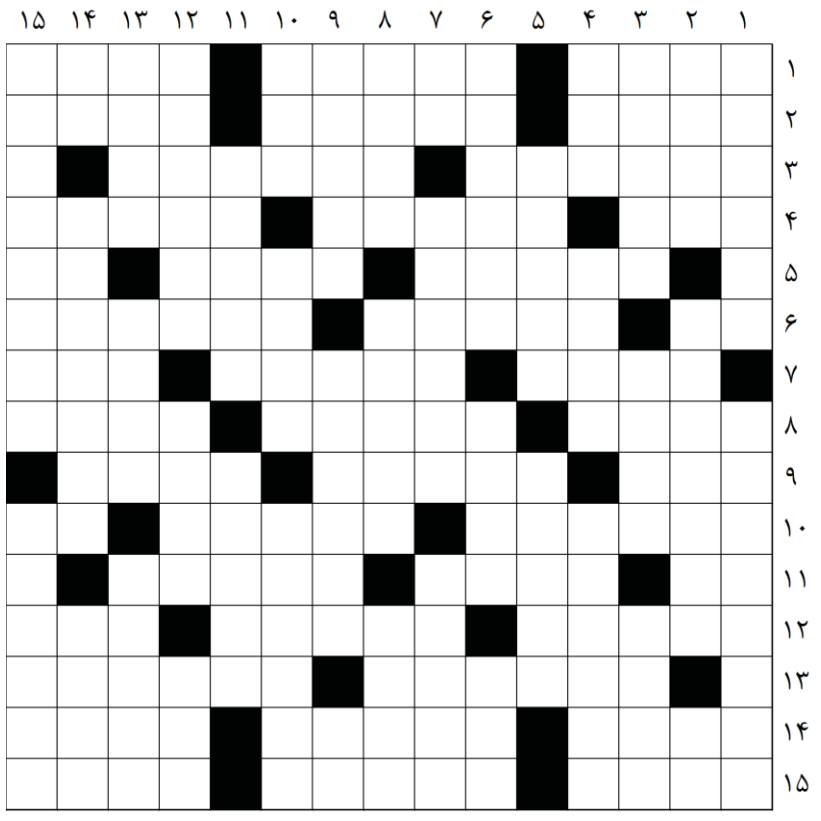

حل سودوکو ۴۱۶۴

۵	۷	۳	۶	۴	۸	۹	۲	۱
۶	۸	۴	۹	۱	۲	۵	۳	۷
۲	۱	۹	۵	۷	۳	۸	۴	۶
۷	۳	۸	۲	۶	۴	۱	۵	۹
۴	۹	۶	۱	۳	۵	۲	۷	۸
۱	۲	۵	۸	۹	۷	۴	۶	۳
۳	۵	۱	۴	۸	۶	۷	۹	۲
۹	۴	۷	۳	۲	۱	۶	۸	۵
۸	۶	۲	۷	۵	۹	۳	۱	۴

۲	۸	۱	۴	۵	۳	۷	۶	۹
۹	۴	۶	۸	۷	۱	۲	۳	۵
۳	۵	۷	۶	۲	۹	۸	۴	۱
۵	۶	۴	۲	۳	۸	۹	۱	۷
۱	۳	۹	۷	۴	۵	۶	۲	۸
۷	۲	۸	۹	۱	۶	۴	۵	۳
۶	۱	۲	۵	۹	۷	۳	۸	۴
۴	۷	۵	۳	۸	۲	۱	۹	۶
۸	۹	۳	۱	۶	۴	۵	۷	۲

حل جدول ۵۱۶۸

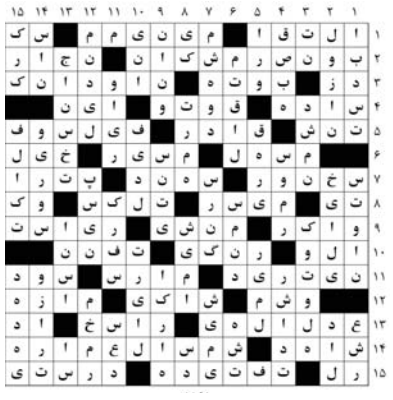

سودوکو سخت ۴۱۶۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۶				۳			۹
				۶				
۸	۲	۵				۶		
۵	۹				۷	۳		
		۱				۴		
		۸	۹				۵	۷
		۳				۲	۴	۱
				۸				
۱			۶				۸	

سودوکو ساده ۴۱۶۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵		۸	۷					
			۴		۵		۲	۹
۹				۱				۵
			۶			۷		۱
				۵				
۷		۹			۱			
۶				۹				۳
۳	۵		۸		۶			
					۳	۵		۴